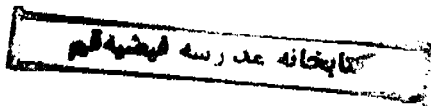


جواد حدیدی



رهروان حقیقت

یکی از ویژگیهای اسلام این است که اگر کسی در گرویدن به آن نیست زیرا در آئین اسلام «راستی از کژی باز شناخته شده است ، و هر کس از کژی روی گرداند و به خدا گروید در بندگی استوار در آویخته که هرگز گسسته نخواهد شد». شاید همین آزادی در برگزیدن دین انگیزه‌ای باشد که بسیاری از جویندگان راستی و درستی را به مسلمانی راه نموده است . سرگذشت برخی از اینان که در شهر و دیار خویش هیچ چیز کم نداشته‌اند و از همه نعمتها برخوردار بوده‌اند و باز هم به مسلمانی روی آورده‌اند و در نتیجه موقعیت اجتماعی خود را از دست داده‌اند ، شگفت‌انگیز است .

یکی از این جویندگان حقیقت کنت دوبنوال Comte de Bonneval بزرگزاده‌ای فرانسوی است که در سال ۱۶۷۵ در فرانسه چشم به جهان گشود و در جوانی به مقام ژنرال رسید و در جنگهای متعدد افتخارات نظامی کسب کرد ولی سرانجام از همه آنها چشم پوشید و به قسطنطنیه رفت و در آنجا به دین اسلام گروید. ترکان عثمانی هم مقدمش را گرامی داشتند و به لقب پاشائی مفتخرش کردند و احمد پاشایش نامیدند .

این واقعه در دنیای مسیحیت انعکاس نامطلوبی داشت و مسیحیان

معتقدرا از کنت و ژنرال پیشین فرانسوی بیزار نمود^۱. گروهی از اندیشمندان و آزادفکران را نیز بر آن داشت که علت مسلمان شدن وی را جویا شوند و بدانند چه عاملی او را به پذیرفتن اسلام برانگیخته و از پیروی آئین نیاکان خویش باز داشته است. ولتر، بخصوص، در این مورد علاقه فراوان نشان داد. زیرای از دیرباز در پی کشف حقیقت اسلام برآمده و درباره آن خوب و بد بسیار گفته بود، و اینک چندگاهی بود که بدنبال مطاهااتی پیگیر در بهترین و مستندترین آثار زمان خود، نسبت به اسلام گرایشی در او پدید آمده بود. ولی کنت دوبنوال در ۱۷۴۷ درگذشته بود و ولتر که همیشه می کوشید در مورد مسائل تاریخی و مذهبی مستقیماً باشاهدان عینی گفت و گو کند از تماس با او محروم بود. پس بر آن شد که هرگاه نوشته‌ای از او برجای مانده باشد بر آن دست یابد و از این راه بر انگیزه مسلمان شدن وی آگاه گردد. و چنین نوشته‌ای وجود داشت: کنت دوبنوال دست‌نویس خاطرات خود را برای یکی از دوستانش: شوائیه دو لاموت ژفرار: Chevalier de la Motte Gfrard در پاریس فرستاده بود. وی در سال ۱۷۶۳ ضمن نامه‌ای به ولتر اطلاع داد که این خاطرات را در اختیار دارد و می‌تواند آنها را برای او بفرستد. ولتر در جواب چنین نوشت:

«... باتشکر فراوان دستخط کنت دوبنوال را که می‌خواهید به من هدیه

۱- بسیاری از فرانسویان کوشیده‌اند به این واقعه رنگ سیاسی دهند، ولی بررسی نامه‌های خطی بنوال که به کاتالوگ n. a. f. و شماره‌های ۵۱۰۴ و ۱۳۰۹۰ و ۹۶۵۸ در کتابخانه ملی پاریس ضبط شده نشان می‌دهد که ری از روی رضا و رغبت و اعتقاد، به دین اسلام گرویده است، هر چند ممکن است مشکلات سیاسی نیز در بیزاری او از مسیحیت بی‌تأثیر نبوده باشد.

کنید دریافت خواهم داشت و هرگونه که شما دستور دهید از آن استفاده خواهم کرد . اعتراف می‌کنم که به دانستن اهل مسلمان شدن کنت بسیار علاقه‌مند هستم ... زیرا در این محمد چیزی وجود دارد که اعجاب همرا برمی‌انگیزد ...»^۲ .

چندی بعد ولتر وصول دفتر خاطرات را اعلام می‌دارد و در مورد نویسنده آن بشیوه همیشگی خود نیش و نوش را درهم آمیخته می‌گوید :

«آقای شوالیه ! خاطرات پاشای شما را خواندم و از ماجراهای فراوان زندگی او آگاه شدم بنظر من کله او به کمی مغز بیشتر احتیاج داشته تا به دستار ترکها!»^۳ .

ولتر تظاهر می‌کند و مگر نه نوشته بنوال در او اثر بسیار بخشیده است . زیرا از همین تاریخ است که درباره شخصیت پیامبر اسلام تجدید نظر می‌کند و به دفاع از آئین او می‌پردازد . دلایلی که بعدها برای اثبات برتری اسلام نسبت به مسیحیت خواهد آورد ، نیز همان دلایلی است که در خاطرات کنت دو بنوال آمده است : محمد آئین یکتاپرستی را به جهانیان آموخت ، زکوة و کمک به همفروع را واجب نمود و قمار و شراب را حرام دانست . ولتر این خاطرات را در سال ۱۷۷۶ در «تفسیر تاریخی» که نوعی «اتوبیوگرافی» است و گوشه‌هایی از زندگی او را روشن می‌کند گنجانیده است^۴ .

۲- در این باب مکاتبات ولتر در سال ۱۷۶۲ را ببینید .

۳- رد : مکاتبات ولتر ، ۱۷۶۲ .

۴- در متن مذکور ولتر ادعا کرده که در سال ۱۷۴۳ با کنت دو بنوال مکاتبه داشته و علل

مسلمان شدن او را جویا شده است (کلیات ، ۸۵/۱) .

نگارنده ، بمنظور یافتن این نامه‌ها ، کلیه مکاتبات ولتر را در سال ۱۷۴۳ ، و نیز

«تفسیر تاریخی» دوسال پیش از مرگ ولتر نوشته شده و در حقیقت اعترافنامه اوست. زیرا قرار بر این نبوده که در زمان حیاتش منتشر شود. واگنی‌پر: Wagnière منشی ولتر، پس از مرگ او این مجموعه را منتشر کرد و خود را نویسنده آن معرفی نمود. ولی چندی بعد بر اثر بررسی‌های ناقدان ادبی خلاف ادعای او ثابت شد و «تفسیر تاریخی» جزو آثار ولتر به‌شمار آمد و در کلیات او درج گردید. بنابراین ولتر نیز، مانند اسکارمانتادو: Scarmentado، قهرمان داستان معروفش، از مسلمان شدن بیمی نداشت ولی از ختنه شدن می‌ترسید!

یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته فرانسوی که در عین حال اهل علم و از آزاداندیشان اوایل قرن هجدهم بود و در هیأت و نجوم نیز اطلاعات وسیعی داشت، و با این همه به دفاع از اسلام و بنیان‌گذار آن پرداخت، هانری کنت دو بولن ویلی به: Henri Comte de Boulainvilliers بود. البته وی

→

نامه‌های خطی بنوال را در اواخر حیاتش، بررسی کرد و هیچ اثری از چنین مکاتباتی بدست نیاورد. شیوة ولتر بر این بود که هرگاه می‌خواست از مسیحیت و دیگر سازمان‌های اجتماعی فرانسه انتقاد کند، یا از زبان دیگری می‌کرد و یا نوشته خود را بدون نام نویسنده انتشار می‌داد. خوانندگان هم او نوشته‌هایش را می‌شناختند و نیازی به نام او بر روی آثارش نداشتند. در متن مورد بحث نیز سخن از برتری اسلام نسبت به مسیحیت است و ولتر بظاهر از زبان کنت دو بولن بی‌توجه به آنچه در خاطراتش خوانده بود سخن می‌گوید.

۵- اسکارمانتادو پس از آن که در لیسن و در دیگر بلاد مسیحی مورد شکنجه و آزار مسیحیان، همکیشان خود فراری می‌گردد، به دیار مسلمانان، قسطنطنیه، رومی آورد. در آن‌جا، برخلاف انتظار، ترکان با او برتری رفتار می‌کنند. قاضی ترك از او می‌خواهد مسلمان شود و می‌گوید که از مسلمان شدن بیمی ندارد ولی از ختنه شدن می‌ترسد!

به قسطنطنیه نرفت و به کسوت پاشائی درنیامد ، ولی چنان در دفاع از اسلام کوشید که او را به مسلمانی متهم کردند و پنداشتند مسلمان مرده است . شاید هم برآستی چنین بوده باشد . در هر حال او یکی از پژوهشگرانی بود که پیش از ولتر روایات ضد اسلامی مسیحیان را رد کرد و آنها را دور از انصاف و عقل و منطق و زائیده کوه نظری و تعصبات مذهبی دانست . کتاب «زندگی محمد» او در شناساندن حقیقت اسلام به فرانسویان قرن هجدهم و در پرورش افکار ولتر بسیار کارگر بوده است ، و از این لحاظ و ترسخت مدیون اوست . هر چند وی نیز مانند برخی از محقق نمایان امروزین - در معرفی آموزگاران خود گاه غفلت می ورزید و از بازگفتن نام آنان خودداری می کرد ، ولی شواهدی در دست هست که نشان می دهد وی آثار بولن ویلی به را خوب می شناخته و با او در اواخر حیاتش آشنا بوده است . از جمله این شواهد نامه ای است که ولتر در ۱۷۵۶ به یکی از دوستانش نوشته و در آن اظهار داشته که بولن ویلی به سالها قبل مرگ او را در سن سی سالگی پیش بینی کرده بوده است . آن گاه با الحنی مطایبه آمیز می افزاید :

« اینک بیش از سی سال است که من هر روز بولن ویلی به را گول می زنم و نمی میرم و از این نظر خاضعانه از او پوزش می خواهم ... »^۶

«زندگی محمد» بولن ویلی به نخستین کتابی است که به زبان فرانسوی درباره پیامبر اسلام نوشته شده و او را از اتهامات ناروای مسیحیان قرون وسطا تبرئه کرده است . عمر مؤلف کفاف نداد که نوشته خود را به پایان برد و اثر آن را در روشن کردن ذهن اروپائیان قرن هجدهم ببیند . ولی کتاب ، که پس از مرگ وی بصورت نسخه خطی دست بدست می گشت - سرگذشت جالبی پیدا کرد . در سال ۱۷۲۹ ، یکی از ناشران انگلیسی ، با توجه به اعتبار

۶- کلیات ولتر ، جلد ۱۷ ، صفحه ۴۴۸ . در این تاریخ ولتر ۶۱ سال داشت .

بولن ویلی به درمیان روشنفکران قرن هجدهم ، و همچنین با توجه به رواج نسخه‌های خطی آثار او ، بر آن شد که «زندگی محمد» او را چاپ و منتشر کند . چون کتاب ناقص بود ، ناشر مذکور به گانیی به : Gagnier ، استاد زبانهای اسلامی در دانشگاه آکسفورد ، پیشنهاد کرد آن را تکمیل و برای انتشار آماده کند . گانیی به از او می‌خواهد که نسخه خطی کتاب را برایش بفرستد تا هرگاه مطالب آن را مغایر دیانت مسیح‌ندید و مصلحت دانست ، به اتمام آن همت گمارد . ولی ناشر که از مضمون و لحن نامه به طرز فکر گانیی به پی برده بود ، تکمیل نسخه خطی را به دیگری واگذار نمود و سال بعد آن را به چاپ رسانید^۷ . گانیی به پس از اطلاع بر قضیه سخت بر آشفت و در این باره چنین نوشت :

«... يك سال بعد با کمال تعجب دیدم که «زندگی محمد» بولن ویلی به منتشر شده است ... ولی افسوس که دیگر از من کاری ساخته نبود ، و گرنه به ناشر آن توصیه می‌کردم این دیوملعون را در نطفه بکشد و آن را یکر است به دوزخ بفرستد .»^۸

از این رو ، برای اثبات برتری دین مسیح و برای رسوا کردن بولن ویلی به و «رمان مذهبی» ، زندگی پیامبر اسلام را خود به رشته تحریر در آورد و در سراسر آن کوشید داوریهای بولن ویلی به را نادرست جلوه دهد . اما کتاب بولن ویلی به همچنان در میان روشنفکران راه می‌یافت و در همان سائهای نخستین انتشار به زبانهای انگلیسی ، آلمانی و هلندی نیز ترجمه شد . این کتاب شامل دو بخش است . در بخش نخست مؤلف با استناد به

۷- این اطلاعات از مقدمه «زندگی محمد» ، نوشته گانیی به ، چاپ آمستردام ، سال

۱۷۲۲ ، بدست آمده است .

۸- «زندگی محمد» ، تألیف گانیی به ، صفحه ۶ .

ما خدم موجود و نیز به یاری نبوغی که در حل مشکلات تاریخی داشته است ،
تصویری روشن از پیامبر اسلام رسم می کند و علیه راویان متعصب مسیحی
که بنیان گذار اسلام را مردی مصرع می دانستند اظهار می دارد :

«محمد قانون گزاری خردمند و بزرگ بود که دینی تهذیب یافته برای
جهانیان آورد . خدائی که بر همه چیز آگاه است او را فرستاد تا مسیحیان
گمراه را متنبه گرداند ، بتهارا خرد کند ، ایرانیان خورشیدپرست را مطیع
سازد و آئین خدایپرستی را از دیواره های چین تا سواحل اسپانیا بگستراند.»^۹
و باز :

«محمد صفاتی عالی داشت و الطاف خداوندی فصاحتی فوق بشری
به او عطا کرده بود ، چنان که می توانست نادانترین و نیز خردمندترین مردم
روزگار خود را متقاعد سازد و به دین اسلام معتقد گرداند .»^{۱۰}
در بخش دوم کتاب ، بولن ویلی به توصیف مبانی اسلام می پردازد
و در این جا نیز داد سخن می دهد :

«آئین محمد چنان خردمندانه است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر
و قهر نیست . کافی است اصول آن را برای مردم شرح دهند تا همه را
به آن معتقد گردانند ...»^{۱۱}

راویان متعصب مسیحی که بر اثر اعتلای اسلام جاه و مقام خود را
در خطر می دیدند ، ذهن مردم را نسبت به بنیان گذاران مشوب می کردند و
آئین او را شیطانی و نابخردانه معرفی می نمودند تا آن جا که در میان مسیحیان

۹ - Henri de Boulainvilliers : La Vie de Mahomet ، صفحه ۱۷۷ .

۱۰ - همان کتاب ، صفحه ۱۶۴ .

۱۱ - بولن ویلی به ، همان کتاب ، صفحه ۱۴۲ .

معمول شده بود هر داستان مبتذل و غیر معقولی را به دین مسلمانان تشبیه می کردند . در برابر اینان بولن ویلی به باشجاعت بسیاری می گوید :

« اصول دین محمد چنان با عقل انسانی سازگار است که در مدتی کمتر از پنجاه سال اسلام در قلب نیمی از مردم روی زمین جای گرفت. »^{۱۲}
 و سپس از روی تقیه چنین می افزاید :

« آنچه محمد گفته همه صحیح است و جز دین مبین مسیح ، دینی در دنیا وجود ندارد که تا این حد خردمندانه باشد و تا این اندازه نیکوکاران را به نیکی تشویق کند و بدکاران را از خشم خداوندی برحذر دارد. »^{۱۳}
 کسانی که « زندگی محمد » بولن ویلی به را می خوانند کتاب دیگر او ، « شبهه ای در دین »^{۱۴} را نیز می شناختند و بر انتقادهای او از مسیحیت آگاه بودند و می دانستند که وی وقتی چندان به این « دین مبین مسیح » نمی گذاشته و آن را سپر بلا می کرده است . در واقع ناگزیر از این کار بود ، زیرا چنان در ستایش از اسلام و بنیان گذاران کوشیده بود که نوشته اش خواه ناخواه خشم يك مسیحی خوب قرن هجدهم را برمی انگیزد و او را از خواندن کتاب باز می داشت .

مدیحه سرایی بولن ویلی به تنها درباره اخلاقیات پیامبر اسلام و اصول آئین او نیست ، بلکه وی فروع دین اسلام را نیز مشحون از حکمت و عقل می یابد و در وصف آنها ، حتی در توجیه منهیات و محرمات ، همه دانش خود را به کار می گیرد . مثلاً محمد تعدد زوجات را عملاً نفو کرد ، زنان را

۱۲- Henri de Boulainvilliers : La Vie de mahomet ، صفحه ۱۴۴ .

۱۳- همان کتاب ، صفحه ۲۶۸ .

۱۴- Doute sur la religion این کتاب در سال ۱۷۶۷ بدون نام مؤلف منتشر شد و از

جمله کتابهایی است که در آنها مسیحیت بسختی هجو گردیده است .

به مقامی شایسته و ستایش آمیز در اجتماع ارتقاء داد، ربا و قمار را که برهم زنده آرامش زندگی است، تحریم نمود، طلاق را مجاز می دانست، کمک به هم نوع را جزو واجبات دین به شمار آورد و غیره ...

معاصران بولن ویلی به حق داشتند او را مسلمان بیندارند، زیرا کمتر مسلمانی تاکنون درستایش از دین خود چنین کوشیده است. کاری که او کرد ارزشی بیش از مسلمان شدنِ صوری داشت، او اثری برجای گذاشت که در سراسر قرن هجدهم راهنمای رهروان حقیقت بود، و اینان پر شمار بودند ...



شعبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی